



The Effect of Menstruation on Women's Criminal Rights in Iran

Nafiseh Karimi Yazdi¹, Ebrahim Yaghouti^{*2}, Mohammad Javad Javid³

1. Ph.D Student, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

3. Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 101-108

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2091-5374

TELL: +982144600200

Email: Yaghouti2010@yahoo.com

Article history:

Received: 26 Mar 2022

Revised: 19 May 2022

Accepted: 26 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

Menstruation, Women,
Criminal Liability.

ABSTRACT

Menstruation is one of the most important crises in women's lives and the symptoms that women experience at this stage are among the most important challenges of care. Proving women's menstruation in these conditions can be considered as a main criterion in women's legal status, resulting in changes or decrease in their punishments. In Iranian law, especially the Criminal Procedure Code, some differences in the implementation of women's punishments, which include the postponement of the implementation of the punishment in pregnant women, have been enacted in support of them, but there are ambiguities and gaps in legislation and interpretation of the law regarding some of the conditions of women, such as menstruation. In some cases, the physical condition is an example of the disease, it changes the limits of women's obligations and responsibilities and can be one of the mental illnesses that affect the behavioral states of the individual, resulting in the disruption of the elements of the crime. Menstruation has no place in Iranian criminal law and the law has a structural and legal gap in this regard.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Karimi Yazdi, N; Yaghouti, E & Javid, MJ (2022). "The Effect of Menstruation on Women's Criminal Rights in Iran" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 101-105.



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

تأثیر قاعدگی بر حقوق کیفری زنان در ایران

نفیسه کریمی یزدی^۱، ابراهیم یاقوتی^{۲*}، محمدجواد جاوید^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

قاعدگی یکی از مهم‌ترین بحران‌های زندگی زنان است و علائمی که زنان در این مرحله تجربه می‌کنند، ازجمله چالش‌های مهم مراقبتی است. اثبات قاعدگی زنان در شرایط مذکور می‌تواند به‌عنوان یک معیار اصلی در وضعیت حقوقی زنان موردتوجه قرار بگیرد و موجب تغییر، تبدیل و یا تخفیف جرایم و مجازات‌ها در خصوص جرایمی که به آن متهم شده‌اند، باشد. در قوانین ایران به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری برخی از تفاوت‌ها در اجرای مجازات زنان که شامل به تعویق افتادن اجرای مجازات در زنان باردار است، در حمایت از آن‌ها وضع شده ولی در خصوص برخی از شرایط زنان همچون قاعدگی، ابهامات و خلأهایی در قانون‌گذاری و تفسیر قانون وجود دارد. در برخی موارد که وضعیت جسمانی مصداقی از بیماری محسوب می‌شود، حسب مورد حدود تعهدات و مسؤولیت‌های بانوان را تغییر می‌دهد و می‌تواند ازجمله بیماری‌های روانی باشد که بر حالات رفتاری فرد تأثیر بگذارد که نتیجه آن مختل شدن عناصر سازنده جرم است. قاعدگی در حقوق کیفری ایران جایگاهی نداشته و قانون از این حیث دارای خلأ ساختاری و حقوقی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۸-۱۰۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۳۷۴-۲۰۹۱-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۰۲۰۰۹۸۲۱۴۴۶۰۰

ایمیل: Yaghouti2010@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

قاعدگی، زنان، مسؤولیت کیفری.



مقدمه

مسأله زنان در طول تاریخ و در میان ملل، اقوام و تمدن‌های مختلف، محل بحث و گفتگوی فراوان و درعین‌حال دامن‌داری بوده است. آنچه مسلم است وضعیت زنان در طول تاریخ تا به امروز چندان مطلوب و رو به سامان نبوده و مخصوصاً به جهت پاره‌ای از دلایل گوناگون، حقوق اجتماعی و سیاسی آن‌ها، با محدودیت‌ها و موانع عمده‌ای روبرو بوده است. به زن به‌عنوان یک «گروه مجزا» که نیاز به رفتار خاص با او و مراقبت ویژه دارد نگاه می‌شود. عقیده بر این است که در موارد خاصی با زنان عادلانه رفتار نمی‌شود. بدین معنی که قوانین باید در جهت مراقبت خاص از زنان تغییر یافته و یا اصلاح گردد.

نقش اختلالات روانی و عصبی در مقوله جرم و تأثیر این اختلالات بر مجازات مسأله‌ای است که از دیرباز موردتوجه قضات قرار گرفته است. در مورد این دو مقوله، دانش دو گروه روان‌پزشکان یا روان‌شناسان و حقوق‌دانان، ارتباطی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. پیشرفت‌های دهه‌های اخیر علم روان‌شناسی و ارائه تقسیم‌بندی جدید از اختلالات و بیماری‌های روانی لزوم تنظیم و ایجاد هماهنگی بین دو دانش روان‌شناسی و حقوق را می‌طلبد.

حقوق زنان در دنیای معاصر، داعیه‌های حمایتی و ضمانتی خاصی را به نفع ایشان برانگیخته است. تا بهبود زندگی و ارتقای وضع حقوق بشری زنان را نسبت به دوره‌های پیشین تأمین کند، اما توسعه حقوقی به نفع زنان اغلب با غفلت از وضعیت طبیعی ایشان همراه بوده است. یکی از بهترین راه‌ها در تأمین حقوق اجتماعی و کیفری زنان، حمایت قانونی از این وضعیت طبیعی است. درواقع یکی از موارد مهم نابرابری حقوق زنان و مردان، وضع بیمارگونه زنان در دوره‌ی قاعدگی آن‌ها است. دوران قاعدگی در زبان فقهی به ایام حیض تعبیر

شده و مراد از آن دورانی است که زنان از انجام اعمال دینی معاف‌اند. البته معاف بودن از اعمال دینی در شریعت به معنای محرومیت از حقوق دینی نیست. بر این اساس در حقوق وضعی هم دو بعد مسأله مدنظر قرار می‌گیرد. در زبان حقوقی معاصر به این دوره، پریود، عادت ماهیانه یا دوره الشهریه یا رگل گفته می‌شود. شاید بتوان صریح‌ترین بیان در باب ضرورت اعمال تبعیض به سود زنان را علاوه بر ادبیات تاریخی و فقهی، نه در قوانین کار کشورهای اروپایی و آمریکایی بلکه از زبان وزیر کار تایوان شنید که مرخصی زنان در این دوره را جزء حقوق کار آن‌ها قلمداد کرده و از حق برخورداری حداقل یک روز تعطیلی در ماه برای زنان خبر داده است (جاوید و اشرفی، ۱۳۹۳: ۱۷۰). طبق قانون، اجرای مجازات در دوران بارداری، پس از زایمان حداکثر تا شش ماه، در دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به دوسالگی و شلاق در ایام قاعدگی، به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد.

در پژوهشی که توسط علیشاهی قلعه جوقی در سال ۱۳۹۹ صورت گرفته است به بررسی تأثیر سندروم پیش از قاعدگی در قصد ارتکاب جرم پرداخته شده است. همچنین در تحقیق دیگری که توسط جاویدی در سال ۱۳۹۷ صورت گرفته به تبعیض مثبت به نفع زنان که به حمایت کیفری از زنان اشاره گردید. در پژوهش حاضر با بررسی سندروم قاعدگی از نظر پزشکی و روان‌شناسی و به دلیل وارد شدن این سندروم در اختلالات روانی همچنین تحلیل فقهی، به امکان‌سنجی تأثیر سندروم قاعدگی بر امکان یا عدم امکان تغییر مجازات زنان خواهیم پرداخت که تاکنون در این خصوص پژوهشی صورت نگرفته است و در حقوق، قانون مشخصی در این خصوص تدوین نگردیده است.

۱- بررسی بیماری‌های زنان در مسؤولیت‌های حقوقی آنان

در خانواده‌های ایرانی زن نقش محوری و مهمی دارد و دور کردن او از خانواده اغلب موجب برهم خوردن نظام خانواده می‌شود و در جامعه ایران نیز به این نکته توجه می‌شود؛ مضافاً این که نظام ما بر پایه جمهوری اسلامی است و فقه و دین ما بر آن مؤثر است پس انتظار می‌رود تا به شکل مشخص‌تری شرایط افراد در قانون و حقوق کشورمان لحاظ می‌شد هرچند در مواردی از قانون که برگرفته از فقه اسلامی است این موارد لحاظ شده است. مثلاً هنگام بارداری یا شیردهی زنان مجازات این افراد به تعویق می‌افتد و یا به مجازات کمتری تبدیل می‌شود و موجب تخفیف مجازات می‌شود اما باین‌حال به بسیاری از موارد و شرایط جسمانی زنان توجهی نشده و هیچ قانون و یا تبصره‌ای برای آن نداریم. مثلاً هنگامی که بانوان در شرایط عادت ماهیانه قرار دارند و از لحاظ جسمی و روحی مورد فشار هستند و از منظر فقه و قرآن که به آن نگاه کنیم، می‌بینیم که زنان را در این وضعیت به‌عنوان شخص بیمار در نظر گرفته‌اند و بانوان در این زمان دارای معافیت‌هایی مثل عدم انجام عبادات (نماز، روزه و...) می‌باشند و همچنین علم پزشکی هم بیان می‌دارد که کمبود خفیف در هورمون‌ها و به هم خوردن توازن هورمون‌های استروژن و پروژسترون در این دوران که با علائم خلق منفی، رفتارهای کنترل نشده، ناراحتی‌های جسمی، سردرد، میگرن، آسم است از حدود ده روز قبل از قاعدگی تا پایان این دوره مشخص می‌شود که توجه به این علائم و در صورت شدید بودن، درمان آن لازم و ضروری است اگرچه زنان علیرغم استرس در این دوره و تغییرات خلقی معمولاً به‌خوبی می‌توانند عهده‌دار وظایف محوله باشند، اما این دلیلی برای بی‌توجهی دیگران به نیازهای ویژه آنان در این دوره نمی‌شود و از بعد روان‌شناختی زنان در این دوران ممکن است به افسردگی‌های مزمنی دچار شوند که حتی هیچ‌گونه علائمی ندارد و بعضی از تصمیمات آن‌ها در این

دوران از روی هیجانات منفی و بی‌منطق باشد که شاید هیچ‌گونه قصدی در آن وجود ندارد و بعضی از احکام شرعی ما نیز گواه بر این ادعا و سخنان روان‌شناسان ما است؛ مثلاً بر اساس ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی، «طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست ...»؛ بنابراین، طلاق در صورتی به‌طور صحیح واقع می‌شود که در مدت عادت ماهیانه زن نبوده باشد که این قانون برگرفته از فقه اسلامی ایران است و شاید هدف از این حکم خداوند آن باشد که طلاق در زمانی انجام شود که زن با آرامش روانی و به‌دوراز هرگونه رنج و مریضی جسمی به این عمل فکر کند و تصمیم او ناشی از هیجانات منفی و خشم و افسردگی نباشد (جان قربان و لطیف‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۱).

مورد دیگر در زنان بارداری است که در این خصوص نیز دوره حاملگی یکی از دوره‌های بحرانی زندگی زنان است که زنان معمولاً به‌خوبی با فشارهای روانی و جسمی ناشی از آن کنار می‌آیند و علاوه بر مشکلات جسمی و بیماری‌های بدنی، این وضعیت جسمانی بر روی روان و روح بانوان نیز تأثیر گذاشته که می‌توان از این جمله به غمگینی در دوران بارداری پس از زایمان، سایکوز پس از زایمان و افسردگی بعد از زایمان اشاره کرد که توجه به درمان و مراقبت و درک بانوان در این بیماری‌ها خصوصاً افسردگی پس از زایمان هم به لحاظ تأثیر بر زنان و هم به لحاظ تأثیر بر زندگی زناشویی و مراقبت از کودکان و پیشگیری از مسامحه و کودک‌آزاری اهمیت دارد. همچنین بسیاری از جرایم عمدی و غیرعمدی زنان با توجه به آمارهای داده‌شده در این دوران اتفاق می‌افتد که در قانون ایران فقط در بخش اجرای حکم مدنظر گرفته‌شده است آن‌هم به‌صورت محدود که اجرای حکم را در بارداری و در شرایطی شیردهی به تعویق می‌اندازند اما در بخش جرم‌انگاری این وضعیت‌ها لحاظ نشده است (مهرپور، ۱۳۸۹: ۷۱).

مشابه موارد مذکور یائسگی در بانوان است که در این دوره هم تحت تأثیر تغییرات هورمونی و در رأس آن‌ها کمبود استروژن که در بدن و جسم آن‌ها رخ می‌دهد، فرد را دچار افسردگی و بیماری‌هایی می‌کند که بازهم در اینجا هیچ قانون و تبصره‌ای در جرم‌انگاری و اجرای مجازات نداریم و فقر قانونی داریم (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۳۱).

مواردی که ذکر شد از باب مثال برای ذکر فقر در خصوص قانون در این موارد و وضعیت جسمانی زنان است که باید با توجه به این‌که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و بسیاری از جرایم که بانوان مجرم و متهم انجام می‌دهند در این همین دوران بوده است، موردتوجه حقوقدانان قرار بگیرد. پرسش اصلی تحقیق بدین صورت است که وضعیت جسمانی بانوان چه تأثیری بر وضعیت حقوقی آنان در نوع جرم و اجرای مجازات و دادن حکم دارد؟

۲- مجازات در هنگام بیماری‌های زنان

حدود و قوانین از پیش تعیین شده همواره و در همه‌جا لازم‌الاجرا است یا آن‌که می‌توانند تحت تأثیر عوامل و عناصری قرار بگیرند و مجازات‌های دیگری را جایگزین آن‌ها کرد چراکه فقه اسلامی نیاز به پویایی و حقوق ما نیاز به بازنگری دارد؛ مثلاً زمان و مکان تأثیر مستقیم بر قوانین دارد، همچنین وضعیت جسمانی شخص حین ارتکاب جرم و یا حین اعمال مجازات می‌تواند موجب تشدید و گاه کاهش مجازات گردد، اما چرا این موارد در خصوص وضعیت جسمانی زنان و شرایط ویژه آن‌ها لحاظ نمی‌شود و قانونی خاص برای آن‌ها زمانی که در آن وضعیت به صورت قهری قرار گرفته‌اند، وجود ندارد درحالی‌که اجرای مجازات‌های تعزیری و حدی می‌تواند تابع مصلحت باشد، یعنی قانون باید با توجه به ویژگی‌های جسمانی مجرم و مصالح فرد و جامعه، حکمی را در مورد شخص بدهد و با در نظر گرفتن این موارد، یک‌روند قانونی در کیفر زدایی، تشدید، تبدیل، تعلیق یا توقف

اجرای کیفر به ثمر بنشیند که از این دسته موارد می‌توان ارتکاب جرم حین عادت ماهیانه، دوران بارداری، بعد از زایمان و یائسگی را ذکر کرد با این توضیح که از هر سه زن دو نفر قبل از شروع عادت ماهانه دچار مشکلات جسمی و روحی می‌شوند که در فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها وقفه ایجاد می‌کند و بیش از ۲۰۰ علامت برای این سندرم شناخته شده است که ازجمله این علائم می‌توان به سردرد، کمردرد، ورم، آکنه، بدگمانی، خشونت، زودرنجی، کاهش اعتمادبه‌نفس و حتی در موارد شدید اقدام به خودکشی را نام برد (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۷).

نتایج مطالعات انجام گرفته در ایران نشان می‌دهد کاهش کارایی و لذت نبردن از فعالیت‌های اجتماعی ازجمله عواملی هستند که بیشترین تداخل را با عملکرد فردی- اجتماعی ایجاد می‌کنند که بر اثر بر هم خوردن تعادل بین هورمون‌های جنسی زنانه و کمبود برخی مواد مغذی است، پس به نظر می‌رسد باید در هنگام دادن حکم و اجرای حکم در نظر گرفته شود، هرچند در قانون ایران به این موارد اشاره‌ای نشده است و آن‌طور که باید آن را موردتوجه قرار نداده‌اند؛ پس باید همه این عناصر باهم در زمان اجرای حکم و تعیین جرم مورد ملاحظه قرار گیرد همان‌گونه که در فقه و مبانی اسلامی به این موارد اشاره شده است و بر اساس توجه به تمام این موارد حاکم را به دادن حکم عادلانه موظف کرده است.

۲-۱- اثر تخفیفی و تعزیری سندروم پیش از قاعدگی بر مجازات زنان

قوانین موضوعه کشور، خالی از قانون یا ماده‌ای است که به صراحت یا به صورت مستقیم از سندروم پیش از قاعدگی سخن رانده باشد، اما مسأله تأثیر حیض زنان بر مجازات در قانون به وضوح آمده است. ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی ازجمله دیگر مواردی است که نشان از این تأثیرگذاری دارد. بر اساس این ماده طلاق دادن زن در دوران قاعدگی جایز نیست و

ایران به بانوان در اجرای احکام کیفری، علاوه بر دو قانون فوق، باید آیین‌نامه‌های نحوه اجرای احکام و نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان و همچنین آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، احکام لازم‌الاجرا یعنی احکامی که باید فوراً پس از قطعیت اجرا شوند را برشمرده است. ماده ۲۸۳ همین قانون نیز در مقام بیان لزوم اجرای فوری احکام آورده است: «عملیات اجرای حکم پس از صدور دستور دادگاه، شروع و به‌هیچ‌وجه متوقف نمی‌شود مگر در مواردی که دادگاه صادرکننده حکم در حدود مقررات، دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید». یکی از مواردی که دادگاه می‌تواند «در حدود مقررات»، دستور توقف اجرای حکمی را صادر نماید، بند (الف) ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری است. بر اساس این مقرر، با توجه به وضعیت جسمانی و خاص بانوان، اجرای مجازات در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه با تأخیر مواجهه است.

ماده ۶ «آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۲» نیز بیان می‌کند: «در ایام بارداری و نفاس زن، حکم اعدام یا حد یا قصاص نفس اجرا نمی‌شود».

باین‌حال به حکم ماده ۵ همین آیین‌نامه، عروض استحاضه، مانع اجرای مجازات اعدام نیست. با بررسی مفهوم مخالف مواد فوق، این‌گونه استنباط می‌شود که مجازات‌های حبس و جزای نقدی با تأخیر مواجهه نمی‌شود.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز اجرای حد قتل یا رجم را در ایام بارداری و نفاس زن، قابل اجرا ندانسته بود. زنی که محکوم به حد جلد باشد نیز اجرای حد او تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد ولی هرگاه زن مستحاضه، محکوم به قتل یا رجم شده باشد، حد جاری می‌شود.

فقها به این مسأله به‌صراحت اشاره کرده‌اند. همچنین جواز چنین طلاق نوعی بدعت به شمار آمده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۵).

ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، با أخذ نظر و تأیید پزشکی قانونی، دست قاضی را در صورت وجود موانعی چند، در تعویق مجازات‌ها باز گذاشته است. بند «ج» این ماده از جمله موانع به تعویق افتادن اجرای مجازات شلاق را حیض زنان معرفی کرده است. همچنین ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی که حیض و استحاضه را از جمله عواملی می‌داند که موجب به تأخیر افتادن مجازات شلاق می‌شود، آشکارا گویای خاص بودن حالت زنان در آن دوران است. علاوه بر آن قید «بیماری» در بند «ث» ماده ۳۸ ق.م.ا که حاوی جهات تخفیف است، مطلق بوده و قانون‌گذار بیماری را مقید به مورد خاص یا خالت خاصی نکرده است که این اطلاق قابلیت و ظرفیت مشمول قرار دادن سندروم پیش از قاعدگی را دارا است. آن قوانین هرچند اشاره‌ای مستقیم بر سندروم پیش از قاعدگی ندارند، اما می‌توان از مضمون آن‌ها دریافت که زنان در دوران قاعدگی از نوعی اختلال رنج می‌برند که نیازمند توجه قانون‌گذاران است و از آنجایی که دوران قاعدگی زنان توانسته بر تأخیر مجازات اثر بگذارد، شاید اثرگذاری سندروم بر ارتکاب جرم توسط زنان در بازه زمانی دوران قاعدگی، البته باوجود پارامترهای لازم و نظر متخصصان امر، دور از انتظار نباشد (علیشاهی و ریاحی راد، ۱۳۹۹: ۱۲۲).

۲-۲- در مرحله اجرای حکم

اجرای حکم، آخرین مرحله دادرسی کیفری و در حقیقت، مرحله بهره‌برداری از دادرسی محسوب می‌شود. باب پنجم قانون آیین دادرسی کیفری ایران از ماده ۲۷۸ تا ماده ۳۰۰ به موضوع اجرای احکام پرداخته است. درعین‌حال، برخی از مواد قانون مجازات اسلامی نیز موضوع اجرای مجازات را موردتوجه قرار داده‌اند. برای بررسی رویکرد مثبت قانون‌گذار

ندارد و فقط در برخی از شهرهای بزرگ مانند تهران که امکانات نسبتاً بالایی در مقایسه با شهرستان‌های دیگر دارند صورت می‌گیرد، لازم است که قانون آیین دادرسی کیفری به این موارد توجه کند (مهرا، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی بین زن و مرد تفاوتی نیست و هر دو از جنس بشر هستند. تفاوت صرفاً در مسائل بیولوژیک است که بایدونبایدهایی رو برای هر دو جنس به لحاظ عرفی ایجاد کرده. همان‌طوری که در کتاب آسمانی قرآن زن مایه آرامش و تلطیف روح مرد است، چون فی‌نفسه و بالذات زن موجودی است سراسر لبریز از عواطف ناب و لطیف انسانی و حس زیبایی‌مدارانه و از آن‌سو مرد به جهت ساختار فیزیکی مختص به خود دارای اقتدار روحی روانی و فاقد احساس صرف است. از قوه منطق خود بیشتر بهره می‌برد که در اینجا مرد هم متقابلاً می‌تواند باعث ثبات و تعدیل در احساسات زن بشود و در مخاطرات زندگی می‌تواند از احساسات ناب و پاک زن چه در مقام مادر، همسر، خواهر و حتی فرزند دختر خویش نگهداری و پاسداری نماید، پس زن و مرد لازم و ملزوم وجود یکدیگرند. به فرموده پیامبر بزرگوار اسلام مرد از دامن زن به معراج می‌رود و مؤلفه برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر در پرهیزگاری و تقوای الهی است، نه شرایط جنسیتی منتها مع‌الأسف در طول قرون متمادی از ابتدا به لحاظ اینکه زن از قدرت جسمانی کمتر نسبت به مرد برخوردار بوده و نیاز به حراست بیشتری داشته همواره پایین‌تر از مرد فرض شده و تأثیرات آن در بیشتر مناطق جهان تاکنون متأثر و وامدار از این اندیشه نالایق و ناپیوسته است که بیشتر تفاوت‌های بیولوژیک را مبنا قرار داده، ولی در قرون معاصر به‌خصوص بعد از ظهور دین اسلام، جایگاه زن

بنابراین با توجه به ویژگی‌های خاص جسمانی بانوان و موقعیت خاص طبیعی آن‌ها یعنی بارداری، وضع حمل، نفاس و استحاضه، قانون‌گذار، اجرای مجازات را به تأخیر انداخته است. به‌طور کلی می‌توان گفت که علت تأخیر در اجرای حکم، ضعفی است که در این دوران بر زن عارض می‌شود، ولی معلوم نیست که چرا در روزهای قاعدگی یا حیض، تأخیر در اجرای حکم، پیش‌بینی نشده است (مهرا، ۱۳۸۴: ۱۴۷). حال آنکه در دوران قاعدگی زنان از لحاظ روان‌شناسی و پزشکی به حالت‌هایی مثل تغییرات ناگهانی خلق، بی‌حوصلگی، عصبی بودن، خستگی، ضعف دچار می‌شوند که همه این حالت‌ها در دوران (استحاضه، نفاس و ...) وجود دارد که در قاعدگی شاید به‌طریق‌اولی وجود داشته باشد پس باید قوانینی تصویب کرد تا زنان از مجازات و اجرای حکم معاف شوند.

۳- عدم پیش‌بینی برخی قواعد خاص برای بانوان در فرایند دادرسی کیفری

ویژگی‌های جسمانی و فیزیولوژیکی بانوان باعث شده است، رویکرد قانون‌گذاران کیفری نسبت به زنان در جریان رسیدگی‌های کیفری متفاوت باشد. برخی از این نگرش‌ها ریشه در تبعیض مثبت و نگاه حمایتی و خاص نسبت به بانوان دارد ولی در پرتو این نگرش، کاستی‌ها و خلأهایی نیز به چشم می‌خورد که لازم است موردتوجه قرار گیرد. هرچند نیروی انتظامی در فرایند کیفری ایران، تلاش‌هایی خارج از چارچوب پیش‌بینی‌شده در قانون برای پر کردن خلأهای قانونی انجام داده است و حتی با طرح کلانتری‌های خاص بانوان کوشیده است.

عملکرد ضابطان قضایی و نیروهای پلیس، نسبت به زنان جامعه را با رویکرد حمایتی و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و اوصاف خاص بانوان، تغییر بدهد و بهبود بخشید. با توجه به اینکه این تلاش‌ها در قانون پیش‌بینی نشده و جنبه عمومی

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی للتحریر الفتاوی*. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اسکندری، معصومه (۱۳۹۰). *تأثیر حق بر سلامت جسمی و روانی بر حقوق زنان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جان قربان، رکسانا و لطیف نژاد رودسری، رباب (۱۳۹۳). «مروری بر مفهوم و ساختار حقوق باروری و جنسی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر». *مجله زنان*، ۱۰۰: ۱۶-۲۶.
- جاوید، محمدجواد و اشرفی، عباس (۱۳۹۳). «تبیین مثبت به نفع زنان». *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۶۶: ۱۵۶-۱۹۳.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و ریاحی راد، صدیقه (۱۳۹۹). «تأثیر سندروم پیش از قاعدگی در قصد ارتکاب جرم». *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۵۵: ۱۱۳-۱۲۸.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). *بررسی فقهی حقوقی خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مهر، نسرین (۱۳۸۴). *زن و حقوق کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات سلسبیل.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۹). *مباحثی از حقوق زن*. تهران: انتشارات اطلاعات.

به جایگاه اصلی خود ارتقا یافته است. با توجه به منابع فقهی می‌توان چنین نظر داشت که وجود تغییرات غیر اختیاری در رفتار زنان به دلیل این اختلال، لزوم و ضرورت وجود نهاد دولتی و وضع قوانین حمایتی برای زنان و دختران را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد و می‌تواند پدیده جرم در جامعه باشد. بر همین اساس این مسأله نیازمند حمایت قانونی همچنین تهیه و تدوین برنامه جامع سلامت برای زنان است تا در صورت لزوم در دادگاه‌ها مورد استفاده قرار بگیرد؛ بنابراین قاعدگی به‌عنوان یکی از فرایندهای روانی طبق نظر متخصصان و پزشکان، منجر به بروز رفتار ناهنجار از سوی زنان می‌شود که با اثبات اختلال بودن این سندروم و تأثیر بر سیستم عصبی زنان توسط پزشکان و روان‌شناسان می‌توان گفت که سندروم قاعدگی مانند دیگر اختلالات روانی، موجب از میان رفتن اهلیت جزائی شود. در کشور ایران باوجود ادله‌ی فقهی و قرآنی، مسأله قاعدگی زنان مغفول مانده است و نقص قانونی در این خصوص وجود دارد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفت و نویسندگان دیگر نظارت بر حسن انجام کار و بازنگری نهایی را عهده‌دار بوده‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.